

نگاه

درباره‌شبان‌روز

عشق سیال

گودرز مهربان

■ سینما هم مانند دیگر هنرها قواعد اصلی دارد که استفاده از آنها برای خالقان آثار، امری اجتناب‌ناپذیر است. قطعا در این بین نحوه به کارگیری و شکل بخشیدن به آن، قواعدی کلی است که زبان و لحنی سینمایی را می‌سازد. نوع قالب‌بندی‌ها و زوایای دوربین و برش و میزانشن اغلب آثار، شباهت‌های غیرقابل کتمان با هم دارند که شاهد برای آنها در سینمای ایران بسیار است و گاه در اینجا صرف یک تدوین غیرخطی دمدستی از طرف خالق به ساختارشکنی و جریان‌سازی تعبیر می‌شود. با این احوال تماشای فیلمی چون «شبان‌روز» می‌تواند به تجربه‌ای منحصری‌فرد بدل شود و ساخت چنین اثری را باید با توجه به مناسبات حاکم بر سینمای ایران به فال نیک گرفت. فیلم در ادامه همان تجربه‌های سورناله و بازی‌گوشی‌های کارگردانش شکل گرفته‌است. باز با روایتی غیرخطی و ساختاری نامعمول و سرشار از میزانشن‌های چندلایه، لانگ‌شات‌ها و کلوزآپ‌هایی با قاب‌هایی کج که با اسلوموشن و زاویه‌های رو به بالا برای ترسیم فرمی مدرن و اکسپرسیونیستی گرفته‌شده رویه‌رو می‌شویم اما این حرکت در مسیر همینگی سبب شده تا با اثری مواجه شویم با ساختاری منسجم و فارغ از اعوجاج و شلختگی‌های سرسام‌آور صوتی و بصری اثر قبلی آنها «شبان» و این تفاوت را می‌توان در دقت نظرشان در خلق شخصیت‌ها و ایجاد فضاها و قالب‌های داستانی که با انواع قالب‌بندی و نورپردازی و رنگ‌آمیزی‌ای که مختص هر شخصیت طراحی کرده‌اند، به وضوح دید. فیلم از چهار مولودم تشکیل شده با قصه‌هایی به گوش آشنا که در اجرا و پیشرفت داستان از آنها آشنان‌دایی می‌شود و با توجه به ساختار فیلم از بیان اپیزودیک‌شان پرهیز شده، داستان‌ها در هم تنیده شده‌اند و در این بین شخصیت‌های نقش پل ارتباطی را در بسط داستان‌ها به هم بازی کرده‌اند مانند فرخ داستان حورا و مرجان یا همکار فؤزان (خاطره اسدی) که شاگرد سیاوش هم هست. بنکدار و علیمحمدی برای هر یک از قصه‌ها رنگ و فضای خاص آن داستان را طراحی کرده‌اند. رنگ خاکستری و کهنه‌ای که برای قصه سیاوش، نقاش پیر برگزیده‌اند خیلی تاثیرگذار از تمام شعرها و دیالوگ‌های آهنگینی است که در قصه‌های مرجان و تاج‌السلطنه می‌شویم. مضمون اصلی فیلم عشق است، عشقی سیال و احساسی که به فراخور زمان و مکان، شکل عوض کرده و رنگ و حالی متفاوت پیدا می‌کند. عشقی که بی‌شک در فهم عموم‌اش از زمان تاج‌السلطنه و سلیمان تا سیاوش و رعنائی این روزهای فیلم فرقی نکرده با همان کیهن‌های ما باورها؛ چه با نثری آهنگین و شوکوی پراپت بیان شود و چه با ظاهر و بیانی ناولث، همچنان ممنوعه است و خلاف جریان شنا کردن. زنان نقشی محوری در سینمای بنکدار و علیمحمدی دارند این نگرش‌شان را می‌توان در تمام آثارشان دید چه مستندهای اجتماعی و چه فیلم‌های داستانی کوتاه که جمله آنها می‌توان به «عشق تنهاست…» اشاره کرد، فیلمی که داستان فؤزان در اجرا و فرم ادامه همان اثر است.

قصه فؤزان ساختار داستانی منسجم و درگیرکننده چند داستان دیگر را ندارد. اگرچه از لحاظ بصری جلوه خوبی از بازی مهناز افشار ارائه می‌دهد اما خط داستانی هندی‌وارش و تعقیب و گریز عروس و داماد با آن گره‌گشایی نهایی، آزادنده‌اند است. «شبان‌روز» فیلم اجراست و بنیان کلی اثر بر مدرنیسم شکل می‌گیرد که این وجه‌اش به توجه به ابزار و مصالحی که در اختیار داریم گاه به ورطه سانتی‌مانتال می‌افتد مانند اجرای سالن مد با آن موزیک پر ضرب پس از سکاسی که هیچ غرابی با آن ندارد یا از همنشینی بیجا با نشانه‌هایی که از سنت نشات می‌گیرند مانند مشاعره مرجان و فرخ و خطاطی نستعلیق روی صورت معشوق و شل‌زرد و خانه پدری. قصه تاج‌السلطنه/ حورا که از ایده فیلم در فیلم استفاده شده تعلیق خوبی را در فیلم ایجاد می‌کند با پلان سکاسنی که اجرای بسیار خوبی دارد و در کارنامه کارگردان‌هایی که فیلم‌هایشان سرشار از پلان است، نکته حایز اهمیتی است. قصه‌ها فضای سسورنال و غربی ندارند اما شور و حالی که در قصه سیاوش است خود زندگی است؛ عشقی قابل لمس و همراه با چشیدن تمام دردها و تلاش‌هایش. اجرای مینی مال مهناز بازیگران قابل توجه است و همچنین باید به بازی مهتاب کرامتی که توانسته از پس نقش‌هایی سخت بر بیاید و بازی مهناز افشار که در آن سال‌ها برای اولین‌بار در چند فیلم خلاف جریان اصلی حضور پیدا کرد، بازی‌اش در آثار مانی حقیقی و مهدی کرم‌پور و این فیلم قابل توجه است. اما نمی‌توان از کنار بازی متفاوت و خلاقانه‌ترین لحظه‌های سینماست.

■ شاید خیلی ساده باشد که بپرسیم ایده اولیه فیلم شبان‌روز چطور به ذهن‌تان رسیده است اما یکی از شخصیت‌های جذاب این فیلم پرداختن به زندگی «سیاوش کسرای» است.

امید بنکدار: معمولا دغدغه‌ها و مشغولیات ذهنی، ما را وادار به نوشتن می‌کند تا داستان یا رویداد می‌کند. فیلمنامه شبان‌روز حاصل دغدغه‌ها و تشویش‌های ما در زمان نگارش آن است. بی‌تردید وقتی مساله دروغ و پنهان کاری به عنوان یک هسته مرکزی برای فیلمنامه در ذهن ما جا گرفت… آرام‌آرام قصه‌ها شروع کردند به پیدا شدن. خاطرات تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین‌شاه قاجار یکی از کتاب‌های محبوب زندگی من است. این زن پیشرو و هنرمند، ساز می‌زد، نقاشی می‌کرد و در آن زمان به چند زبان تسلط داشت و نسبت به شرایط کشور حساسیت و آگاهی‌ای داشت که با تصویری که همیشه از زنان در این برهه تاریخی وجود دارد، (به‌خصوص زنان اندرونی‌نشین قاجاری) از زمین تا آسمان تفاوت دارد. به همین خاطر تاج‌السلطنه خودبه‌خود به فیلمنامه راه گشود همان طور که سیاوش کسرای (نقاش – سیاوش کسرای شاعر اشتباه گرفته نشود) استاد نقاشی من که به شدت تحت تاثیر آثار و منش هنرمندانه او به زندگی بودم، به قصه راه پیدا کرد. اما سیاوش تنها بهانه برای شکل‌گیری فیلمنامه نبود بلکه برعکس دیرتر به قصه راه پیدا کرد. ما از ابتدا می‌دانستیم که می‌خواهیم فیلمنامه‌ای با چند قصه موازی بنویسیم اما قصه‌ا آرام‌آرام شکل گرفته و کنار هم قرار گرفتند. به جز داستان فؤزان (مهناز افشار) که کاملا خیالی است بسیاری دیگر از قصه‌ها و شخصیت‌ها وادار آدم‌ها زندگی‌های واقعی آنهاست.

■ یکی از نکته‌هایی هم که درباره این فیلم هست انتخاب حامد بهداد در نقش سیاوش کسرای است که با گرمی سنگین تبدیل به این شخصیت شده که حتی شما گفته‌اید همسر سیاوش کسرای با دیدنش گریسته است. اما مخاطبان تا اسم به‌بداد را در تیتراژ نبینند متوجه حوروش نمی‌شوند. البته‌شما برای کوچک‌ترین نقش‌ها هم از حرفه‌ای‌ترین بازیگرها استفاده می‌کنید.

امید بنکدار: سیاوش کسرای یک شخصیت واقعی بود و ما می‌خواستیم کسی که این نقش را ایفا می‌کند بتواند به فیزیک و بیان سیاوش نزدیک شود. در میان بازیگرانی که هم‌سن و سال سیاوش بودند بازیگری را پیدا کردیم که شرایط جسمانی‌اش اجازه دهد بتواند روزی پنج ساعت گرم و قهوزی به وزن ۱۲-۱۱ کیلو را در تمام مدت فیلمبرداری تحمل کند. در نتیجه به گزنه‌های جوان‌تر فکر کردیم و در بین گزنه‌های جوان بازیگری را جسور تر از حامد بهداد که شهادت چنین ریسکی را داشته باشد، پیدا کردیم.

بازیگری متفاوتی داشته‌باشد. امید بنکدار: علت انتخاب بازیگران حرفه‌ای برای نقش‌های کوتاه اهمیت دادن ما به نقش‌ها و اصرار ما بر استمرار رابطه دوستی- کاری با گروه بازیگرانی است که سال‌هاست می‌شناسیم و به دوستی‌شان افتخار می‌کنیم. جادارد دوستان عزیز ی تشکر کنیم که با حضورشان و وارد کردن نیروی مثبت‌شان به کار، شبان‌روز را دیدنی کردند. بازیگرانی مثل مریم پوولی، فریبا جدی‌کار، لادن طباطبایی، رویا جاویدنیا و بسیاری دیگر که مرون حمایت‌هایشان بوده و هستیم، بازیگرهایی مثل ستاره اسکندری و آزاده صمدی با توانایی‌هایشان به نقش‌های نوشته‌شده در فیلمنامه ابعاد دادند که از متن فرات رفت و به فیلم رنگ تازهای بخشید. بی‌تردید حجم نقش‌ها در اندازهای نبود که این بازیگران در شکل حرفه‌ای تمایل به بازی در آن را داشته باشند. دلیل این حضور و همکاری پیش از همه به یک اعتماد متقابل و ایمان به یک تلاش خلاقانه گروهی‌بازی می‌گردد.

■ سینمای شما را می‌توان مجموعه‌ای از تمام هنرها دانست نقاشی، خط، شعر، معماری، موسیقی، عکاسی و…

به کارگیری این ترکیب در مدیوم سینما ذهنی‌ترین تصاویر را در سینمای شما عینی کرده است. این ترکیب در نهایت در خدمت چیست؟ بیان قصه با ساختار و فرم؟

کیوان علیمحمدی: ساختار و فرم از روایت و قصه جدا نیست. سینما، هنری بصری و قصه‌گوست. تصویری در تحرک و داستانی برای دیدن. همین است که آن را ادبیات و نقاشی جدا می‌کند و گاه حتی فراتر می‌برد. متأسفانه چیزی که در سینمای ما فراموش شده، ارزش‌های بصری است و غالبا تصور می‌کنند که فیلم خوب فیلمی است که قصه خوبی دارد. دیگر اینکه چطور ساخته شده و این قصه چطور به تصویر که معنای اصلی سینماست تبدیل شده است، مهم نیست. این تفکر که متأسفانه حتی در میان بسیاری از اهل فن و منتقدان نیز باب شده آفت بزرگ سینمای ماست.

■ فیلم شبان‌روز برای شخص من «خاکسترهای زمان»

فیلمساز هنگ‌کنگی «وونگ کاروای» را ندایم کرد؛ چه

به لحاظ تم چه به لحاظ نوع بیان روایت. به لحاظ تم که همان تم عشق و پنهان کاری را داشت. به لحاظ ساختاری، بازی‌هایی که با نوع رنگ و موسیقی در سینمای کاروای دیده می‌شود را داراست. از لحاظ نوع بیان روایت، چند قصه‌ای و قصه‌های موازی است که در نقاطی نیز با هم

اشتراکاتی دارند. از لحاظ کارت‌پستالی بودن کار هم سینمای «کیم کی دوک» را ندایم می‌کرد. شما این تاثیر از سینمای شرق دور را تایید می‌کنید؟ سینماگرانی که سینمای شما را تحت تاثیر خودشان قرار می‌دهند چه کسانی هستند؟

امید بنکدار: بی‌تردید تاثیر وجود دارد. تاثیر از نقاشانی مثل لوسین فراید که دو تا از آثار او در شبان‌روز بازسازی شده گرفته تا عکس‌های کسانای مانند «شرین نشاط» و «هریم زندی» تا بسپاری از شاعران معاصر. این شعرها در لحظه‌هایی از فیلم هم سر یک کشیده‌اند. در سینما، ما خود را شیفته آثار فیلمسازان بزرگی مثل «برگمن» و «آنتونیونی» می‌دانیم. کسانای مثل «بیلی وایلدر» تا متاخرها. فیلمسازانی مانند کاروای، تام تیکور، ترن آن‌هولنگ، کریستوفر نولان و بسیاری دیگر. این علاقه به سینما و سینماگران، علاقه‌ای پنهانی نیست. در نمایی از شبان‌روز لحظه‌هایی از فیلم «شب‌های شاتوتی من» کاروای در صفحه تلویزیون خانه فؤزان (مهناز افشار) دیده می‌شود یا نقاشی لوسین فراید که در آخرین نمای قصه مرجان بازسازی شده، روی کارت‌پستالی که

بابک برای فؤزان فرستاده چاپ شده است و در دست فؤزان دیده می‌شود. بیش از این همه می‌توانم به آثار نقاشان جوانی اشاره کنم که علاوه بر سیاوش کسرای در شبان‌روز به آنان نیز پرداخته‌ایم. کسانای مانند «فشین پیرهاشمی» که متأسفانه در خارج از کشور جایگاه شناخته‌شده‌تری از وطن خود دارد و برای این فیلم چند کار بسیار زیبا از چهره مهناز افشار کشید و نقاشی‌هایش به عنوان کارهای نوا (خاطره اسدی) در فیلم دیده می‌شود و نقاشان خوب دیگری مثل «مهرداد محب‌علی»



حامد بهداد در نقش سیاوش کسرای هر روز ساعت‌ها گرم می‌شد. قطعه‌هایی که روی مورت او قرار می‌گرفت، باعث می‌شد که نتواند هیچ چیز بخورد و فقط با نی در طول روز آب و مایعات می‌خورد. باید بدنش را در آن قرار می‌داد که تماشاگر در وهله اول فقط وضعیت سر و گردنش را به یاد آورد. جزئیاتی که او برای شخصیت سیاوش کسرای بازسازی کرد باعث شد حتی بازیگران در پشت صحنه از پادشاه برود که او حامد است. صدا و نوع حرف زدن، سیگار دست گرفتن، راه رفتن و از همه مهم‌تر نگاهش، چشم‌هایی که دیگر نسبت به زندگی بی‌میل و بی‌مقدن. آن روزی که همسر سیاوش کسرای سر صحنه آمد بی‌اختیار گریست. او سیاوش کسرای را دید که زنده است، راه می‌رود، سیگار می‌کشد و حرف می‌زند.

مهتاب کرامتی در این فیلم سه نقش، تاج‌السلطنه، حورا و شیوا را بازی کرده است. او باید تمام حس‌های خود را پنهان می‌کرد. یک سوپر استار سینمایی که خیلی به نظر محکم می‌آید و نباید شکست او دیدم شود. تماشاگر هیچ وقت آن را نمی‌بیند تا پلان آخری که فطره اشک از چشمان وی سرازیر می‌شود که حتی کارگردانان هم غافلگیر شدند و به نظرشان این بهترین پایانی بود که مهتاب می‌توانست بازی کند. انگار تمام حس‌های پنهان‌شده در آن بود. وقتی دوربین جلو او می‌رود، مهتاب آرام شروع به چرخیدن می‌کند و این فطره اشک از چشمان او می‌آید.

سینما



عکس‌مجموعی حسن‌اللهی، علی‌محمدی و سیما

گفت‌وگو با «کیوان علیمحمدی» و «امید بنکدار» کارگردان «شبان‌روز»

تلاش گروهی و اعتماد متقابل

فرانک کلاترری

هیچ‌کس نفهمید چرا شبان‌روز نتوانست به موقع اکران شود و از سال ۸۷ منتظر مانده است. اما این روزها عوامل ساخت فیلم بر یک نکته تاکید می‌کنند؛ قطعا دل‌شان می‌خواست «شبان‌روز» سر وقت اکران می‌شد. اما همین که بالاخره فیلم اکران شده است خوشحال هستند. آنها حالا یک قدم پیش رفته‌اند، هم بازیگران و هم کارگردان. «کیوان علیمحمدی» و «امید بنکدار» کارگردانان «شبان‌روز» که باره حضور ستارگان سینما با وجود نقش‌های اندک، علاقه شان به هنر، تاثیر گرفتن از هنرمندان عرصه‌های دیگر در این فیلم سخن گفته‌اند.

و «مهدی احمدی» که کارهایشان در نمایشگاه هنر ترکیبی و خانه مرجان دیده می‌شود. همچنین خوشنویسی‌های آقای «کیانی» که در خانه حورا (مهتاب کرامتی) دیده می‌شود. شبان‌روز جناز را روایتی چهار گانه درباره دروغ، فیلمی است پر از نقاشی، شعر، موسیقی و خوشنویسی.

شبان‌روز به مقوله عکس هم می‌پرداخت. عکس‌های «حمید جعفری» در خانه شبنم (هدیه تهرانی) و کارهای «شادی قدیریان» در صحنه نمایشگاه و آثار «کاوه گلستان» در لحظه‌های مختلف فیلم ادبی دینی بود از شیفتگی ما به عکس و هنر عکاسی.

■ ساختار هر اپیزود با تم داستان در ارتباط است؟

کیوان علیمحمدی: بله. ساختار هر بخش علاوه بر متمایز کردن آن بخش با قصه‌های دیگر کارکرد بیانی داشت. دوربین ثابت با قاب‌های ثابت و رنگمایه قهوه‌ای برای القای قاب‌های ثابت و نقاشی و حس و حالی دور و قدیمی و رمانتیک در قصه سیاوش/ دوربین روی دوست با استفاده از لنز زوم با رنگمایه آبی سربی برای القای بی‌قراری و تنش و بی‌ثباتی در قصه فؤزان/ نماهای بلند با میزانشن‌های طولانی با رنگ سیاه

و سفید برای القای فضای فاخر و پرشکوهِ قدیمی در قصه تاج‌السلطنه/ساختر کلاسیک با رنگمایه زرد-طلایی برای القای فضای عاشقانه و گرم در قصه مرجان.

■ تصمیم دارید همیشه فیلمنامه‌های خودتان را بسازید؟

کیوان علیمحمدی: این تصمیم نیست بلکه شرایط پیش آمده است. تاکنون کمتر با فیلمنامه‌ای رویه‌رو شده‌ایم که درگیرمان کند و بخواهیم با تمام وجود وقت و نیروی خود را صرف ساخت آن کنیم اما این هرگز قطعیت نداشته است. دو کار

داستانی که در تلویزیون ساخته‌ایم (اپیزود سلول از مجموعه یک لحظه دیرتر و مجموعه تلویزیونی حیرانی) هر دو نویسنده‌های دیگری داشته‌اند و ما در مرحله بازنویسی تنها سعی کردیم لحن فیلمنامه را به سلیق خود نزدیک کنیم که این نکته گاه موجب تغییرات بسطی‌کار هم گاه بنیادی در فیلمنامه شده است. شاید این به نگاه من و امید برمی‌گردد که هیچ‌گاه به ضرورت کار، دست به ساخت فیلمی ندهایم و کمتر و گزیده‌تر کار کرده‌ایم. طبیعی است کارگردان‌هایی که هر سال و برخی حتی سالی دو یا سه فیلم یا مجموعه می‌سازند، حتی اگر توان و دغدغه نوشتن داشته باشند فرصتی برای نگارش فیلمنامه ندارند. به همین واسطه فیلمنامه‌هایی که دیگران نوشته‌اند بیشتر به این دسته از همکاران و کمتر به ما پیشنهاد شده است.

■ مشترک کار کردن مشکل

نیست؟ چطور به تعامل می‌رسید؟ شده اختلاف‌نظری هم بین شما پیش بیاید، یا یکی از شما دو نفر خواهد سلیقه شخصی خودش را اعمال کند؟

کیوان علیمحمدی: کار مشترک برای ما ادامه و استمرار یک دوستی و آموزش مشترک است، نتیجه سلیقه‌ها و دغدغه‌های مشترک. برای همین تعامل از پیش وجود دارد. اما اختلاف همیشه وجود دارد و همیشه هم به بحث و مجادله می‌کشد اما همیشه تصمیمی گرفته می‌شود که به نفع نتیجه نهایی، یعنی کار است. به همین خاطر بحث‌ها تبدیل به دعو و دلخوری نمی‌شود.

■ ممکن است یک روز سراغ فیلمسازی کلاسیک و روایت خطی بروید؟

امید بنکدار: ما همیشه به دنبال تجربه‌های تازه هستیم به همین خاطر فیلمسازی کلاسیک هم برای ما که جز در یکی از کارهای کوتا‌همان روایت کلاسیک نداشته‌ایم، می‌تواند تجربه تازه‌ای قلمداد شود. مهم این است که چه ساختاری می‌تواند بهترین روش برای بیان و روایت هنرمندانه قصه‌ای باشد که می‌خواهیم بسازیم با این نگاه مدرن و کلاسیک را جیتی به یکدیگر ن‌داند و اینجا نتیجه کار اهمیت پیدا می‌کند.

■ ساخت «شبان‌روز» غیر از بازیگران شناخته‌شده به

حضور نیروی متخصص مثل پورصمدی برای فیلمبرداری وابسته‌است؟

کیوان علیمحمدی: آقای پورصمدی علاوه بر یک فیلم‌بردار همراه که می‌تواند از همه ایده‌های تو به عنوان کارگردان فراتر رود و دشواری‌ها و نشدنی‌ها را به امکان تبدیل کند، همیشه برای نقش یک معلم و راهنما را داشته است. در اولین کار حرفه‌ای که ما به عنوان دستیار کارگردان فعالیت می‌کردیم او بود که دست ما را گرفت و قدم‌قدم به ما اخلاق حرفه‌ای آموخت. بی‌تردید اگر حسنی در شیوه کار و رفتار حرفه‌ای ما وجود دارد مدیون وجود اوست. جادار که از دو نفر دیگر که خود را مدیون ادیبان خود می‌دانیم، نام ببریم: «دکتر احمد السّی» و «محمد رضا اصلاّی» که از این دو نازنین بسیار آموخیم.

■ چرا فیلم اینقدر دیر اکران شد؟

امید بنکدار: نگارش فیلمنامه خیلی سریع اتفاق افتاد اما مرحله دریافت پروانه ساخت نزدیک به یک سال طول کشید که در این مرحله، فیلمنامه بارها و بارها بازنویسی شد. بعد از ساختن و نشدنی‌ها به مرحله پروانه نمایش نزدیک به یک‌سال‌ونیم به درازا کشید و اکنون شبان‌روز بعد از حدود سه سال اکران می‌شود. علت به تعویق افتادن اکران را باید از کسانی که موجبات آن را فراهم آوردند، پرسید! گرچه بعد است پاسخی وجود داشته باشد. آیا برای به هدر رفتن عمر، زمان، نیرو و سرمایه یک گروه پاسخگویی وجود دارد؟

■ فیلم شبانه هم مدت زیادی طول کشید تا اکران شد، فکر نمی‌کنید این فاصله‌ها به فیلم ضربه‌بزند؟

امید بنکدار: شبانه فیلمی بود که به سادگی آغاز شد و با دشواری به پایان رسید و تا زمان اکران راه درازی پیمود. در جشنواره فجر قربانی اختلافاتی شد که هنوز بعد از چند سال (به خاطر حفظ آبروی سینما هم که شده) ترجیح می‌دهیم درباره آن حرفی نزنیم و سرانجام در شرایط نامناسبی اکران شد و با این همه برخلاف تصور بسیاری فروش مناسبی داشت.

زمانی که برای اکران آن تلاش می‌کردیم به ما می‌گفتند فیلم خوبی است اما نمی‌فروشد اما وقتی بالاخره اکران شد و بیش از تخمین تهاقانی فیلم فروخت به ما گفتند به خاطر حضور خاتم هدیه پهلانی فیلم فروخته است و ما شگفت‌زده به آن مگر زمانی که ما فیلم را برای اکران از این دفتر پخش به آن دفتر پخش و از این سینما به آن سینما می‌بردیم خاتم تهرانی در فیلم نبود؟ اما شبان‌روز فیلمی است که از ابتدا با دشواری و پیچیدگی آغاز شد تا به تولید برسد و پس از تولید هم که سه سال برای دین رهن برگ پند انتظار کشید. شاید این حرف که خطای به نظر برسد اما فیلم‌ها برای سازندگان آنها مانند کودکان هستند. فکر کنید والدین کودکي که جای ۹ ماهه سه سال انتظار تولد کودکشان را بکشند او را در ۳۰ سالگی به مدرسه بفرستند و در ۴۰ سالگی فارغ‌التحصیلی‌اش را ببینند؟ شما بوبدید چه احساسی نسبت به این کودکان داشتید؟ آیا خود را پدر یا مادر خوشبختی می‌دانستید؟

بحث زیبایی همه جای دنیا طرفدار خودش را دارد. اولین تجربه نمایش خارجی این فیلم در جشنواره شانگهای بوده است. خبرنگاران چینی روز قبل از نمایش فیلم می‌رسیدند چرا در سینمای ایران فقط درباره کودکان فیلم ساخته می‌شود و درباره زنان فیلم ساخته نمی‌شود و ما زن‌ها را در فیلم‌های ایرانی نمی‌بینیم. آنان وقتی فیلم را دیدند، گفتند فیلمبرداری این فیلم خیلی زیباست و ما هنرنویس‌های ایرانی را ندیده بودیم. ققدر هنرنویس‌های ایرانی زیبا هستند منبع خبر: آنتلاین

بخت زیبایی همه جای دنیا طرفدار خودش را دارد. اولین تجربه نمایش خارجی این فیلم در جشنواره شانگهای بوده است. خبرنگاران چینی روز قبل از نمایش فیلم می‌رسیدند چرا در سینمای ایران فقط درباره کودکان فیلم ساخته می‌شود و درباره زنان فیلم ساخته نمی‌شود و ما هنرنویس‌های ایرانی را ندیده بودیم. ققدر هنرنویس‌های ایرانی زیبا هستند منبع خبر: آنتلاین

حاشیه‌ها

نگته‌ها در باره شبانه‌روز

■ هرچند نقشی که حامد بهداد بازی کرد از نظر بسیاری شایسته تقدیر بود اما داوران در جشنواره هیچ توجهی به آن نکردند این نگاه از نظر کارگردانش نادیده گرفتن آنان و به نوعی حذف بی‌سروصدای آنان از این عرصه است. آنان به مهر گفته‌اند: «این شیوه بدون اینکه سر و صدا داشته باشد تو را از سینما حذف می‌کند. چرا با سر و صدا این‌کار را نکنده وقتی فیلم ما قرار است نوروز اکران شود و این اتفاق نمی‌افتد و می‌رود برای سال بعد. دوستانی که در این فیلم کار کردند و سرمایه‌گذاران فیلم که به آن وابستگی عاطفی دارند از خودشان سوال می‌کنند که چرا در فیلم اینها سرمایه‌گذاری را کار کنیم، می‌رویم سر یک کار دیگر که سروقت اکران شود و پول هم برگردد. من نمی‌دانم دوستان ما کی به ما اعتماد می‌کنند تا فیلم بسازیم چون شک نکنید اگر اینها سال‌هاست که به طور مشترک کار می‌کنند. موضوع اصلی این فیلم نشان دادن وقایع دروغ در جامعه است و وجود برخی پلان‌ها، از درون آینه، انطباق آن با موضوع فیلم را نشان می‌دهد که نوعی تصویر مجازی است.

■ فیلم‌هایی که کاراکتر زیادی دارند و همه حرفه‌ای هستند برای بازیگر استرس به وجود می‌آورد. مسدا بازیگران درگیر این هستند که بتوانند کار خود را درست انجام دهند آنها جهان خاص خودشان را دارند که این در آثارشان کاملا آشکار است.

■ شکل دکوپاژ این دو کارگردان متفاوت است. فرم در کارهای آنها بسیار مطرح است. بازیگران هم حدسی درباره ذهنیت کارگردان ندارند این سبب سختی کار می‌شود.

■ بازیگران معتقدند در فیلم‌های این دو کارگردان کمتر-بیش اتفاق وقت قبل از گرفتن پلان را دارند. همه چیز از قبل تعیین و فکر شده است، به قول خودشان آنقدر زمان برای گرفتن پروانه ساخت دارند که به تک‌تک پلان‌ها، میزانشن‌ها نوع نگاه و طراحی لباس و… فکر می‌کنند.

■ آنها از معدود کارگردانی هستند برای ساختن فیلم استوری بوردهایی داشتند که سر صحنه می‌آوردند و اتفاقا بزرگمهر حسین‌پور آنها را کشیده بود.

■ کارگردانان فیلم مانند علی رفیعی معتقد هستند سینما ضیافت باشکوهی از رنگ، نور، تدوین و همه عناصر سینماست.

■ ساختار فیلم‌های این دو کارگردان براساس کلاژ طراحی می‌شود. خاصیت کلاژ چنین عناصر نامتجانس کنار یکدیگر و تمرکززدایی است.

■ در این فیلم با کات‌هایی که ایجاد می‌شود، مخاطب را از داخل داستان بیرون می‌برند و دوباره به داستان بر می‌گردانند.

■ مهتاب کرامتی برای اینکه به نقش تاج‌السلطنه نزدیک شود، بسیار کتاب خوانده است تا به این زن ایرانی روشن‌فکر نزدیک شود.

■ مرتضی پورصمدی (فیلم‌بردار) درباره این فیلم به خبرنگاران گفته است: تجربه «شبان‌روز» دنباله جریانی است که از ۱۵ سال قبل تر شروع شده، پله‌پله رشد کرده و جلو آمده است. من از جمله آدم‌هایی هستم که به هیچ عنوان نمی‌توانم درگیر سینمای بدنه شوم و از آن لذت ببرم. به اعتقاد من در نقطه مقابل سینمای تجربه‌گر کارهای قابل توجهی نیست. شما اسم این نوع کار کردن را تجربه می‌گذارید و من عنوان تجربه به‌علاوه جسارت را به آن می‌دهم. من دغدغه این را ندارم که سینمای تجربه به چه ترتیب نقد می‌شود و چطور با آن برخورد می‌شود و تماشاچی دارد یا نه. اینها برای من اهمیتی ندارد.

■ «شبان‌روز» کل‌نیدای دریافت هفت سیم‌رغ بلورین در رشته‌های مختلف بود و مرتضی پورصمدی برای فیلمبرداری فیلم «شبان‌روز» موفق به دریافت سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم‌برداری جشنواره بیست و هفتم پهلرین شد.

■ به نظر کارگردانان بعضی از نقش‌های فیلم خیلی خوب است ولی برخی بازیگران نتوانستند به خوبی از پس آن بریبایند این ممکن است اشکال آنها به عنوان کارگردان هم باشد. اما مهتاب این کار را صورت داد و کار سختی هم بود. برای این نوع هم ساختن این فیلم کار سختی بود چون این نوع کارگردانی را تا به حال تجربه نکرده بودند. آنها هم ترس و وحشت خودشان را داشتند.

■ عنوان فیلم سوم سینمایی این دو کارگردان فعلا «حاشیه» است. سه شخصیت اصلی دارد بار اصلی بر دوش این سه شخصیت است. دو شخصیت زن و یک مسرد. در حال بازنویسی چندباره فیلمنامه هستند و اگر بشود امسال شروع می‌کنند و همچنین امیدوار به حضور مهتاب کرامتی در فیلم‌شان هستند.

■ نیکو کریمی، پارسا پیروفر، مهتاب کرامتی، حمیدرضا پگاه، محمدرضا فروتن، مهناز افشار، حامد بهداد، نگار جوهریان، فریا جدیدکار، ستاره اسکندری، شاهرخ فروزینیان، فرزنان اطهری، بهنوش بختیاری، رویا جاویدنیا، فلامک جنیدی، آزاده صمدی، سعید فروتن، بهروز قادری، ساعد هدایتی، خاطره اسدی، لادن طباطبایی و مریم پوولی بازیگران «شبان‌روز» هستند.